

باربارا جانوس^۱

فلسفه سیاسی ناتو در حال تغییر است و دلیل آن گسترش تهدیدات جدید امنیت بین المللی چون تروریسم، جرایم سازمان یافته، سلاح هسته ای یا کشورهای ناموفق در پیشرفت سیاسی و اجتماعی است. به طور کلی منافع ناتو در کشورهای آسیای مرکزی در توجه به کشورهای است که در مناطق درگیر می باشند کشورهایی که از لحاظ ژئوپلتیک در موقعیت مهمی واقع شده اند. سقوط اتحاد شوروی، ناتو را در توسعه دسترسی جغرافیایی اش و انجام برنامه های همکاری سیاسی و نظامی در جمهوریهای شوروی سابق آسیای مرکزی توانمند ساخت. جدای از به دست آوردن «مناطق نفوذ» جدید برای ناتو، چنین سیاستی چالش بزرگی برای کارکرد سازمان به بار می آورد و آن مشارکت با کشورهای بسیار بی ثبات از لحاظ داخلی است. منافع ناتو در این منطقه بر پایه عواملی چون موقعیت استراتژیک بین روسیه و چین به علاوه همسایگی با افغانستان است که ناتو عملیات نظامی خود موسوم به ایساف (ISAF) را هدایت می کند. دلایل خطرات دیگر، ثبات منطقه ای از وضعیت بی ثبات این کشورها ناشی می شود. هر چند برنامه هایی توسط ناتو در آسیای مرکزی انجام شده اما هنوز نیاز روزافزونی به توسعه یک راهبرد پایدار توسط ناتو در منطقه وجود دارد. امری که باعث روشن شدن اهداف حضور ناتو در منطقه می شود. «اصلی» ترین شریک ناتو در این فعالیتها، اتحادیه اروپاست که اخیراً راهبرد خود را در آسیای مرکزی معرفی کرده است. این مقاله، حاوی دیدگاههایی در این زمینه است.

واژگان کلیدی: ناتو، آسیای مرکزی، منافع، تروریسم

۱. موارد اشتراک و افتراق کشورهای آسیای مرکزی

معمولاً آسیای مرکزی را منطقه ای یکپارچه از لحاظ سیاسی قلمداد می کنند که این نگاهی نسبتاً سطحی به موقعیت این منطقه است. جدای از پیوند جغرافیایی در یک منطقه مشترک و عضویت در یک امپراتوری در گذشته^(۱)،

۱. خانم باربارا جانوس محقق موسسه مطالعاتی استرن ورشو (لهستان) است. خلاصه این مقاله در پانزدهمین سمینار سالانه آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شده و متن کامل آن برای فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ارسال و توسط آقای سعید طلایی به فارسی ترجمه گردیده است.

مسایل داخلی مشابه و مشکلات ناشی از تغییرات سیاسی؛ به علاوه وجود دموکراسیهای معیوب و تنشهای مرزی، مذهبی و قومی جزو مسایل عادی و رایج این منطقه محسوب می شوند. همچنین، سقوط اعتماد مشترک بین این کشورها و همکاری منطقه ای در سطحی نازل بین آنها، عمیق شدن اختلافات آنها را تایید می کند. بیش از ۱۵ سال از سقوط اتحاد شوروی می گذرد، با این وجود ظاهراً هنوز کشورهای تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی در جستجوی هویت سیاسی شان در قلمرو روابط بین الملل هستند. سیاست این کشور بیانگر جستجوی آنها برای اصولی است که می تواند به عنوان زمینه مشترک همگرایی منطقه ای در آسیای مرکزی باشد. اما راهی که آنها برای این هدف برگزیده اند یعنی عضویت در پیمانهای جهانی و آسیایی با ماهیتهای سیاسی و حقوقی متفاوت به نظر پرخطر یا مبتکرانه می رسد. جدای از امضای توافقات همگرایی منطقه ای (سازمان همکاری آسیای مرکزی، جامعه اقتصادی مشترک اوراسیا، جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، قرارداد امنیت دسته جمعی) کشورهای آسیای مرکزی با عضویت در سازمان ملل و ناتو در محدوده جهانی فعالانه درگیر شده اند. برخی از آنها نیز منافع گسترده ای در پیوستن به سازمان تجارت جهانی دارند. به علاوه آنها همزمان سیاست مشارکت در برخی سازمانهای منطقه ای را با مشخصات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت و بر پایه اصول ایدئولوژیک مختلف پیگیری می کنند. از یک سوی شاهد گرایش کشورهای آسیای مرکزی به سمت سازمانهای غربی که بر اصل دموکراسی استوار هستند، مثل سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) هستیم و از سویی دیگر باید به حضور آنها در سازمانهای منحصرأ با اعضای کشورهای اسلامی مانند سازمان همکاری شانگهای و سازمان کشورهای اسلامی اشاره کنیم.

۲. منافع ناتو در آسیای مرکزی^(۲)

سقوط اتحاد شوروی؛ جمهوریهای سابق آن یعنی قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان را قادر ساخت تا حاکمیت ملی خود را به دست آورند. موقعیتی که برای ناتو امکان مطلوب بلند مدت وارد کردن آنها در حوزه منافع خود را به ارمغان آورد.^(۳) اولین دلیل تمایل همکاری با آسیای مرکزی خواست ناتو برای انجام هر گونه فعالیت جهت

جلوگیری از بروز تهدیدات امنیت و ثبات منطقه ای مثل قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و غیره بوده است.

موقعیت استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی در نزدیکی به مرزهای افغانستان، به دلیل عملیات «نیروی بین المللی کمک به امنیت»^(۴) توجه خاص ناتو را به این کشورها موجب شده است. به علاوه موقعیت ژئوپلتیک آسیای مرکزی که بین روسیه و چین واقع شده به ناتو فرصتی برای اجرای بهتر سیاستهایش در مقابل این دو قدرت جهانی می دهد.

همه این دلایل که براساس حضور ناتو در امور آسیای مرکزی اتخاذ شده، ضرورت توسعه راهبردهای جدید ناتو در همکاری با کشورهای از راه رسیده را پیش بینی کرده است. تبدیل از یک جمهوری اتحاد شوروی سابق به یک کشور مدرن مستقل؛ تنها در اوکراین و کشورهای حوزه بالتیک اتفاق افتاد و در کشورهای آسیای مرکزی نیروهای دیکتاتور را به قدرت رساند.

سیاست همکاری با کشورهای آسیای مرکزی بخشی از مفهوم وسیعی است که ناتوی جهانی نامیده می شود.^(۵) این مفهوم برخاسته از نظریه جمع آوری منافع طیف گسترده- تری از مشارکت در سطح جهان است. ناتو دریافته است که تنها راه مقابله با خطرات از راه دور حل آنها در مبدأ مشکل است، امری که نیازمند همکاری سیاسی با بسیاری از کشورها و دسترسی به نیروی نظامی جهانی است. ناتو با شرکای خود به چشم منبع ظرفیتهای ضروری نگاه می کند، نیروهایی که از ناتو در سطح جهان حمایت می کنند. در عوض ناتو از کشورهای مشارکت جو برای ارتقای مهارتهای عملیاتی شان با معیارهای ناتو حمایت نظامی می کند. منافع ناتو در آسیای مرکزی در اجلاس استانبول (۲۰۰۴) اعلام گردید.^(۶) برای تمرکز خاص بر همکاری با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای عضو ناتو با ارسال ماموران رابط مقیم در آلماتی، به این دو منطقه موافقت کردند. آنها همچنین آقای رابرت سیمونز را به عنوان نماینده ویژه دبیرکل در منطقه منصوب کردند.^(۷) وظیفه او بازدید منظم از این کشورها و گفت و گو در مورد برنامه های همکاری ناتو است. از طریق گنجاندن کشورهای آسیای مرکزی در طرح مشارکت جهانی، ناتو در پی تقویت کشورهای منطقه در جلوگیری از بروز مشکلاتی مثل جرایم گروههای سازمان یافته، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و مسایلی از این دست است. حمایت از

تغییرات حقوقی و سیاسی در آسیای مرکزی طبق اصل حاکمیت قانون و دموکراسی، هدف اصلی ناتو به شمار می رود. ناتو با افزایش دخالت کشورهای آسیای مرکزی در ساختار و برنامه هایش؛ از فرآیند ایجاد ثبات منطقه ای در این ناحیه حمایت می کند.

۳. موانع همکاری ناتو با کشورهای آسیای مرکزی

نقطه ایجاد همکاری نزدیک بین ناتو و کشورهای آسیای مرکزی به هر دوی آنها بر می گردد. در ارتباط با ناتو سه مشکل بر سر راه همکاریها وجود دارد:

اول اینکه حمایت قاطع و کاملی برای تمرکز همکاری با کشورهای آسیای مرکزی وجود ندارد. نگاههای متفاوت کشورهای عضو به اولویتهای منطقه ای همکاریهای ناتو امری بدیهی است و از منافع خاص منطقه ای کشورهای عضو ناشی می شود. به دلایلی کشورهای مدیترانه ای ناتو؛ فشار بیشتری برای همکاریهای گسترده تر با کشورهای افریقایی و عربی در محدوده ناتو وارد می کنند^(۸) و مسایل آسیایی اهمیت کمتری برای آنها دارد. حمایت فعال از گسترش روابط ناتو با کشورهای آسیای مرکزی توسط امریکا^(۹) و اخیراً آلمان (کشوری که این منطقه را در اولویتهای اول ریاست شورای اتحادیه اروپا در سالجاری قرار داد) صورت گرفت. با این وجود مفهوم همکاری مشترک، مشکلاتی را در روابط با کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرده است.^(۱۰) چنین همکاری بایستی با روحیه و شخصیت هر یک از این کشورها خاص و با تفکیک در نظر گرفته شود و در راستای اهداف استراتژیک سیاست ناتو قرار داشته باشد. به طور کلی این اهداف بایستی مطابق با توسعه بلندمدت نظامی و سیاسی در آسیای مرکزی باقی بمانند و مسیر خاص و ویژه ای را دنبال کنند. تنها چنین دیدگاهی نسبت به یکدیگر است که می تواند به همکاری متقابل در جهت افزایش ثبات منطقه ای و حل اختلافات و تنشها منجر شود. اما مشارکت بین ناتو و کشورهای آسیای مرکزی به اشکال مختلف نتوانسته همکاری عمیقی بین آنها ایجاد کند. ارزیابی میزان موفقیت آنها نیز امری دشوار است، زیرا سند خاصی در تعیین چارچوب منافع سیاست ناتو در آسیای مرکزی و تعریف یک همکاری جامع وجود ندارد. به علاوه این همکاریها با دخالت سیاسی روسیه تحت تاثیر قرار گرفته است. راهبرد کلی ناتو در ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی به شدت به وضعیت روابط آن با روسیه

بستگی دارد. چنین راهبردی نتایج دوگانه ای به بار آورده است. نتیجه مثبت آن این است که هر تغییری در جهت بهبود، تاثیر مطلوبی بر روابط ناتو با کشورهای آسیای میانه می گذارد، امری که این کشورها را از بودن در هر طرف رابطه معاف می کند. نتیجه منفی آن این است که رابطه ناتو با کشورهای آسیای مرکزی به منافع خاص روسیه محدود می شود.

روسیه، حضور ناتو در آسیای مرکزی را دخالت در حوزه نفوذ سیاسی اش قلمداد می کند. روسیه هنوز نقش اصلی میانجی را در حفظ ثبات منطقه از طریق نیروهای نظامی خود که در بعضی از این کشورها مستقر شده اند و همچنین با کنترل مسیرهای استراتژیک انتقال منابع انرژی، برعهده دارد. روسیه همچنین از طریق درگیر کردن ایالت‌هایش در تعدادی از سازمانها و پیمانها، نفوذ قابل توجهی در تحولات سیاسی کل منطقه دارد.^(۱۱) بعضی عوامل مانع رابطه ناتو و کشورهای آسیای مرکزی را بایستی در خود این کشورها جستجو کرد. اول از همه شکست اهداف مشترک و اصول سیاسی و اجتماعی بین آنها و ناتو، فساد گسترده و تاثیرگذاری محدود هیات حاکمه، مانع مهمی برای مسئولیتهای دو جانبه آنها محسوب می شود. آنها نیز اغلب راهبرد جامعی در برخورد با ناتو ندارند. از یک طرف آنها خواستار درگیری عمیق در سیاست مشترک با ناتو نیستند، از سوی دیگر حمایت فنی و مالی ناتو را در توسعه و تجهیز نیروهای نظامی شان با معیارهای ناتو خواستارند.

کشورهای آسیای مرکزی نمی خواهند خود را متعهد به معرفی سیاست ناتو در برقراری دموکراسی در سیستم نظامی شان بدانند. عامل دیگری که در رابطه با ناتو و کشورهای آسیای مرکزی اخلاص ایجاد می کند، عدم وجود روابط و همکاری مطلوب بین خود این کشورهاست که بعد از ظهور آنها از اوایل ۱۹۹۰ و معرفی برنامه های ناتو در آسیای مرکزی ایجاد نشده است. ممکن است از خیلی تناقضات منطقه ای جلوگیری شده باشد یا حداقل تقلیل یافته باشند اما به هیچ وجه مرتفع نشده اند و دلیل آن شکست همکاری نزدیک این کشورها با برنامه های ناتو بوده است. دلیل دیگر ممکن است شیوه نگاه نخبگان کشورهای آسیای مرکزی به ناتو باشد که آن را به عنوان راهی برای افزایش اعتبار بین المللی شان و جذب سرمایه گذاران خارجی تلقی می کنند.

۲. زمینه های همکاری

یک ویژگی که اساساً روابط ناتو با کشورهای آسیای مرکزی را با دیگر کشورها متمایز می کند، فقدان اشتیاق کشورهای آسیای مرکزی به عضویت در ناتو است. این امر به شدت حوزه مشارکت را محدود می کند؛ اما از سوی دیگر این امکان را به ناتو (که در موقعیت قوی تری قرار دارد) می دهد که بتواند در امور داخلی آنها نفوذ و دخالت کند. اشکال همکاری موجود در قالب عضویت کشورهای آسیای مرکزی در شورای همکاری ائتلاتیک شمالی (NACC) در سال ۱۹۹۲، آنها را برای اولین بار در یک اجتماع شورایی و مشورتی گرد هم جمع کرد. هدف این شورا حمایت از تلاشهای صلح جویانه در درگیریهای نظامی پیش از فروپاشی شوروی سابق بود. در سال ۱۹۹۷ شورای همکاری ائتلاتیک شمالی (NACC) به شورای همکاری اروپا - ائتلاتیک (EAPC) تبدیل شد، شورایی که از گفت و گو و فرایند مشورت در مسایل سیاسی و امنیتی دفاع می کرد.^(۱۲) اپیک «شورای همکاری اروپا - ائتلاتیک» چارچوب سیاسی لازم را برای همکاری ناتو با کشورهای عضو فراهم آورده و روابط دو جانبه بین ناتو و کشورهای عضو در برنامه همکاری برای صلح توسعه یافته است. کشورهای آسیای میانه از سال ۱۹۹۴ در برنامه همکاری برای صلح مشارکت می کنند^(۱۳)، (تنها تاجیکستان در سال ۲۰۰۲ به این برنامه پیوست) برنامه ای که همکاری دو طرفه عملی بین هر یک از این کشورها با ناتو به شمار می آید و بر پایه تعهد اصول دموکراتیکی است که توسط پیمان رایج گشته است. برنامه مشارکت فردی (IPAP) که مورد توافق مشترک هر یک از کشورهای عضو و ناتو است، به پایه ای برای مشارکت در برنامه همکاری برای صلح مبدل گردیده است. چنین برنامه های دو سالانه ای فعالیتهای وسیعی را در بر می گیرد که خاص نیاز هر یک از کشورهاست. آنها عمدتاً روی اصلاحات دفاعی تمرکز کرده اند، اما زمینه های دیگری نیز در فعالیت ناتو وجود دارد، شامل سیاست و برنامه ریزی دفاعی، روابط غیرنظامی، آموزش و پرورش، دفاع هوایی، سیستمهای اطلاعاتی و مخابراتی، مدیریت بحران و برنامه ریزی اضطراری غیرنظامی. دیگر همکاریها از سال ۱۹۹۴ در قالب همکاری برای برنامه ریزی صلح و فرایند بازبینی (PARP) شکل گرفت و اساس تشخیص و ارزیابی نیروها و

ظرفیتهایی شد که ممکن است وظیفه آموزش و عملیاتهای چندملیتی را در ارتباط با نیروهای ناتو برعهده بگیرند.^(۱۵)

قزاقستان و ازبکستان به شکل خاصی درگیر این نوع همکاریها با ناتو شده اند. این دو کشور توافقات خاصی را در سال ۱۹۹۶ با ناتو منعقد کردند که وضعیت نیروها در هر یک از این کشورها و ناتو را سامان می دهد. در سال ۲۰۰۲ این دو کشور به طور موفقیت آمیزی اولین برنامه مشارکت فردی شان (IPAP) را تکمیل کردند. دیگر شکل‌های همکاری و مکانیزمهای ناتو در قبال کشورهای آسیای مرکزی مثل برنامه عملیات اعضا (MAP)، برنامه عملیات مشترک علیه تروریسم، صندوق امانت و غیره نتوانسته توجه آنها را جلب کند. در پی ناکامیهای اجلاس استانبول، کشورهای عضو ناتو منافع خود را در آسیای مرکزی مشخص و حتی یک برنامه عملیات مشترک در ایجاد سازمان دفاعی معرفی کرده اند که به تازگی کار خود را آغاز کرده و پیشرفت آن به کندی صورت می پذیرد و اما هدف آن معطوف به تقویت موثر و کارآمد موسسات دفاعی و تحت نظارت مدنی و دموکراتیک است.

۵. تصویر وضعیت همکاری ناتو با هر یک از کشورهای آسیای مرکزی^(۱۶)

کشورهای آسیای مرکزی تمایل به عضویت در ناتو ندارند، به دلایلی که به تاریخشان و اشتراکات سیاسی و حقوقی که با روسیه دارند، بازمی گردد. این ارتباط نزدیک تاثیر شدیدی بر حوزه درگیری و همکاری با برنامه های ناتو دارد. جنبه دیگری که برای سیاست خارجی و امنیتی آنها امری عادی و رایج به شمار می رود، بحث توازن وابستگی بین دو قدرت منطقه ای یعنی روسیه و چین است که تاثیر قدرتمندی در دیدگاهشان نسبت به ناتو ایجاد کرده است. کشورهای آسیای مرکزی عمدتاً علاقمند به حمایت ناتو در مبارزه علیه تروریسم، بنیادگرایی منطقه ای، قاچاق مواد مخدر و غیره هستند. چنین اولویتهایی لزوماً با اهداف سنتی ناتو مطابقت ندارد و انتظارات آنها را از مشارکت منعکس می کند. از ابتدای ایجاد همکاری با اروپای شرقی، ناتو بیشتر توجه خود را به اصلاحات دموکراتیک نیروهای نظامی اعضا و نسبتاً اندکی نیز به مسایل امنیتی «نرم» معطوف کرده است.^(۱۷)

چنین مفهومی در ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی مد نظر بوده و موفقیت‌های محدودی به همراه داشته است. با نظریه جدید ناتوی جهانی که توسط امریکا مطرح شد^(۱۸)، راهبرد اخیر احتمالاً به نتیجه رسیده است. امروزه راهبرد پذیرش اعضای جدید که نیازمند مشارکت با عملیات‌های ناتو در سطح جهان مثل مبارزه علیه تروریسم است، به نظر موفقیت آمیز می‌رسد. از طرفی این راهبرد، معقول است زیرا با کمک نیروهای محلی تهدیدات جهانی از میان می‌رود. اما از سوی دیگر حفظ و توسعه این تمرکز ممکن است ناتو را از یک پیمان دفاع شخصی به یک حافظ امنیت جهانی که فرض اصلی و اولیه آن نبوده، تبدیل کند. چنین تغییر سیاستی می‌تواند توجه ناتو بر مناطق کانونی را تغییر دهد، مناطقی مثل خاورمیانه که شامل ناحیه وسیع آسیای مرکزی می‌شود. ناتو به ترتیب به همکاری قوی‌تر و همچنین وابستگی به کشورهای جدید نیازمند است. به دلیل عدم رغبت و اکراه این کشورها در عمیق کردن رابطه با ناتو و قبول مقتضیات دموکراسی، موفقیت این همکاریها در آینده ای دور متصور است. یا اینکه ناتو به جای تجویز اهداف سیاسی اش نیاز به تغییر در اولویت‌هایش و انطباق بیشتر با شرایط معین اعضای منطقه دارد. آیا ناتو اولویت‌های سیاستش را در کسب شرکای جدید تعدیل می‌کند؟ آیا ناتو در توافقات همکاری آینده نیاز به انعطاف بیشتری دارد؟ ناتو تا چه حد می‌تواند از مفهوم و اهداف اصلی خود در حین جستجوی شرکای جدید در آسیای مرکزی فاصله بگیرد؟ براساس میزان درگیری کشورهای آسیای مرکزی با ناتو می‌باید نگاه جداگانه ای به هر مورد بیاندازیم.

• قزاقستان

قزاقستان یک سیاست نظامی چند بعدی را هدایت و راهبری می‌کند. از یک طرف شریک سیاسی و نظامی استراتژیک قزاقستان، روسیه است و در سازمان قرارداد امنیت دسته جمعی^(۱۹) که در قالب کشورهای مستقل مشترک المنافع و سازمان همکاری شانگهای^(۲۰) شکل گرفت، شرکت می‌کند. از طرف دیگر قزاقستان فعالترین عضو ناتو در منطقه است. تنها قزاقستان در برنامه به اصطلاح مفهوم امکانات عملیاتی (OCC) که در چارچوب برنامه همکاری برای صلح و به منظور توسعه توانایی پیمان و نیروهای

کشورهای عضو برای عملیاتهای همکاری برای صلح ناتو می باشد، شرکت جسته است. قزاقستان تنها کشور آسیای مرکزی است که از سال ۲۰۰۳ نیروهای متخصص حافظ صلح، موسوم به کزبریگ^۱ به عملیات آزادی عراق فرستاده است. در سال ۲۰۰۶ برنامه مشارکت فردی قزاقستان توسط ناتو مورد پذیرش قرار گرفت و توسعه روابط تحت برنامه مشارکت فردی و حمایت از اصلاحات در نیروهای نظامی قزاقستان مورد توجه قرار گرفت. در اجلاس قزاقستان - ناتو در فوریه ۲۰۰۷، رابرت سیمونز نماینده ویژه ناتو در آسیای میانه و قفقاز اعلام کرد که ناتو در روابطش با قزاقستان قصد رقابت با کشورها و سازمانهای دیگر را ندارد بویژه از زمانی که یک قزاق دبیرکلی سازمان همکاری شانگهای را در سالجاری به عهده گرفت. در عوض به دنبال گسترش گفت و گو با سازمان همکاری شانگهای است.

• ازبکستان

آرزوی ازبکستان بازی در نقش رهبر منطقه، تا حدی مستقل از روسیه و تا اندازه ای اتحاد با ناتو بوده است. همکاری بسیار نزدیک ازبکستان و ناتو بعد از تحمیل تحریمهای سنگین ناتو، ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه این کشور پس از سرکوب نظامی در شهر اندیجان (می ۲۰۰۵) و خودداری آقای کریموف (رییس جمهور وقت ازبکستان) در تحقیق در مورد شورش اندیجان شکسته شد. روابط کنونی ازبکستان و ناتو نسبتاً تئوریک و در حد حرف می باشد، زیرا ازبکستان از شرکت در برنامه های نشستهای اعضا^(۲۱) و از دعوت ماموران رابط ناتو امتناع می کند. در سال ۲۰۰۱ ازبکستان اولین کشور آسیای مرکزی بود که به ائتلاف ضد تروریسم با هدایت امریکا پیوست و از آن در مبارزه علیه جنبشهای تندروی اسلامی در منطقه استفاده کرد. از زمان آغاز عملیات طولانی آزادسازی افغانستان در سال ۲۰۰۱، ازبکستان با ایجاد پایگاه نظامی در کارسکی - خان آباد موافقت کرد و به مهمترین متحد قابل اطمینان ناتو در عملیات افغانستان تبدیل گشت. با این وجود، ازبکستان در واکنش به تحریمهای اندیجان از نیروهای امریکایی حاضر در خاک خود خواست در نوامبر ۲۰۰۵ پایگاه نظامی شان را ترک کنند ولی به

1. Kazbrig

نیروهای المانی ناتو در پایگاه نظامی ترمیز اجازه داد باقی بمانند. در همین اثنا ازبکستان همکاریهای سیاسی و نظامی خود را با روسیه تقویت کرده و مجدداً به سازمان قرارداد امنیت دسته جمعی پیوست که در سال ۱۹۹۹ از آن معاهده خارج شده بود. ازبکستان هیچگاه روابطش با روسیه را به عنوان نمونه در قالب سازمان همکاری شانگهای (از سال ۲۰۰۱) قطع نکرده است.

• قرقیزستان

قرقیزستان هیچگاه روابطش با ناتو را به دلیل روابط منطقه ای و دو جانبه نظامی با روسیه در اولویت قرار نداده است. حتی ورود به برنامه مشترک فردی را مورد بررسی قرار نداده است اما در سیستم بزرگراه ابریشم (VSH) که از طریق فیبر نوری و رادیو با مهمترین موسسات ملی علمی و آموزشی ناتو گسترش یافته، مشارکت جسته است. همکاری نظامی قرقیزستان با ناتو به دریافت کمک در نوسازی نیروهایش محدود شده است. این امر برای هدایت عملیاتیهای حفظ صلح مشترک و اقدامات ضد تروریسم سودمند است. در سال ۲۰۰۱ قرقیزستان به سربازان امریکایی اجازه داد تا یک پایگاه هوایی در ماناس نزدیک پیشکک ایجاد کنند و به نیروهای ائتلاف حقوق نامحدودی در زمینه پرواز جنگنده های نظامی شان و ماموریتهای بشردوستانه و امداد و نجات واگذار کرد. هر چند فشار اجلاس سازمان همکاری شانگهای ممکن است نهایتاً منجر به خروج این نیروها از این پایگاه شود.^(۲۲)

• تاجیکستان

تاجیکستان آینده سیاسی خود را در ارتباط با روسیه می بیند. تاجیکستان یکی از اعضای پیمانهای نظامی منطقه ای و میزبان پایگاه نظامی روسیه در دوشنبه است. تاجیکستان عمدتاً خواستار کمک فنی و مالی ناتو و کمک نیروهای ناتو در دفاع از مرزهای ملی اش با افغانستان و مبارزه با قاچاق مواد مخدر است. تا امروز تاجیکستان تنها در عملیات مشترک امداد فجایع طبیعی دره فرقانه در سال ۲۰۰۳ شرکت کرده است. آشکارا از امضای هر توافقی که آن را ملزم به معیارهای نظامی ناتو می کند؛ سر باز می زند مثل برنامه همکاری فردی یا همکاری برای برنامه ریزی صلح و فرآیند بازبینی؛

اما از طرف دیگر اولین کشور آسیای مرکزی است که در سال ۲۰۰۴ حمایت و موافقتش را در ماموریت ایساف (ISAF) ناتو در افغانستان اعلام کرد. ناتو تاجیکستان را یک شریک قابل اعتماد در جنگ علیه تروریسم و در ارتقای ثبات در همسایگی افغانستان و کشوری قلمداد می کند که میزبان حدود ۲۰۰ سرباز فرانسوی و تعدادی جنگنده که عملیات ناتو در افغانستان را پشتیبانی می کنند.

• ترکمنستان

ترکمنستان تنها در برنامه همکاری فردی مشارکت می کند و از هر گونه همکاری نظامی خارجی اجتناب می ورزد. اساس حقوقی عدم عضویت در پیمانهای نظامی در وضعیت بی طرفانه این کشور است که در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان ملل به تصویب رسید. تا بهار ۲۰۰۷ در حکومت ترکمنباشی (رییس جمهوری وقت ترکمنستان) هر گونه قرارداد و همکاری با کشورهای دیگر ممنوع بود که این امر شامل ممنوعیت روابط با ناتو نیز می شد. نه مرگ ترکمنباشی و نه انتخاب «قربان اوغلی بردی محمداف» در فوریه ۲۰۰۷ تحول جدی در روابط ترکمنستان با ناتو ایجاد نکرد. اولین ملاقات رابرت سیمونز در عشق آباد در مارس ۲۰۰۷ بدون هیچ نتیجه خاصی به پایان رسید. همچنین اجلاس انرژی روسیه - ترکمنستان در می ۲۰۰۷ که رؤسای جمهور این کشورها تمایل خود را به ایجاد یک خط لوله گاز جدید در دریای خزر به روسیه اعلام کردند، این دیدگاه را تقویت می کند. (۲۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۶. نتایج

تغییرات ژئوپلتیک پس از ۱۹۸۹ در آسیای مرکزی، موقعیت استراتژیک این منطقه از لحاظ ژئوپلتیک بین روسیه و چین، همچنین منابع وسیع طبیعی و بی ثباتی سیاسی توجه ناتو به آسیای مرکزی را از اوایل ۱۹۹۰ به خود جلب کرده است. این توجه به طور خاص بعد از آغاز عملیات ایساف در افغانستان در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته و انتظار می رود در آینده به این شکل باقی بماند. منافع همکاری ناتو و کشورهای آسیای مرکزی با وجود جنبه های متفاوت دو جانبه می باشد. از یک طرف ناتو بر تلاشهای معرفی اصلاحات دموکراتیک در سیستم نظامی اعضای شورای همکاری اروپا - آتلانتیک

پستساری دند و از سوی دیگر کشورهای آسیای مرکزی مشتاق دریافت حمایت‌های مالی و نظامی در نوسازی ارتش‌های ملی شان هستند؛ اما آشکارا از دخالت ناتو در مسایل داخلی شان اکراه دارند. پیش از این چنین شرایطی به هیچ وجه مورد قبول کشورهای عضو ناتو نبود، ولی امروزه با توسعه مفهوم ناتوی جهانی، می‌توانیم به همکاری‌های عمیق بین ناتو و کشورهای آسیای مرکزی در زمینه موضوعات امنیت منطقه‌ای، همکاری‌های مرزی، قاچاق مواد مخدر، مبارزه علیه تروریسم و غیره اشاره کنیم. در آینده نیاز به فهم مشترک در زمینه‌های همکاری با در نظر گرفتن منافع و اهداف دو جانبه داریم. از طرفی ناتو نیاز به توجه بیشتر به انتظارات منطقه‌ای اعضایش دارد، اما از سویی نباید از اصول و بنیادهای وجودی اش فاصله بگیرد. ممکن است چنین زمینه مشترکی، حمایت ناتو در حل اختلافات منطقه‌ای، کمک به پیشرفت همکاری منطقه‌ای، نوسازی و ایجاد دموکراسی در نیروهای نظامی کشورهای عضو آن باشد. ناتو باید توجه خاصی به همکاری و ثبات در مرزهای افغانستان داشته باشد. از طرفی ناتو بایستی حضور و موقعیت پرنفوذ روسیه را در نظر بگیرد. لزوماً ناتو نباید در امور سیاسی منطقه‌ای که روسیه در آن مناطق موضع برتر دارد، دخالت کند و از سویی نباید از مسئولیت‌هایش قصور کند که این امر ممکن است نارضایتی روسیه را موجب شود؛ هر چند که در راستای منافع استراتژیک ناتو در منطقه است. ناتو باید آگاه باشد که روسیه همچنان شریک استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی است. هدف ناتو در آسیای مرکزی نباید رقابت با سازمان‌های منطقه‌ای موجود مثل سازمان همکاری شانگهای باشد، بلکه باید جنبه‌های مختلف برتری‌های نظامی و سیاسی اش را در منطقه ارتقا دهد. گسترش نظریه ناتوی جهانی موجب ایجاد سوال در ارتباط با تغییر اصول و ضوابط آینده همکاری با کشورهای عضو آسیای مرکزی می‌شود. در آینده هر دو طرف یعنی ناتو و کشورهای آسیای مرکزی باید تعریف دقیق‌تر و عملی‌تری از منافعشان نسبت به یکدیگر ارائه دهند. همکاری در قالب برنامه‌های موجود در کنار انجام برنامه‌های جدید بایستی طبق خواسته‌های دو طرف شکل عمیق‌تری به خود بگیرد. شریک اصلی ناتو در آسیای مرکزی اتحادیه اروپا است. ناتو طرح‌های مفصلی را در جهت برنامه‌های همکاری و توسعه مهیا کرده است^(۲۵)، اتحادیه اروپا نتوانسته به برخی تناقضات منطقه‌ای خاتمه دهد، که این تجربه خوبی برای ناتو در همکاری‌های آینده با این کشورها به حساب آید. ناتو بایستی از ابتکارات فهم دو جانبه

منطقه ای حمایت کند و برنامه ای ترویجی درباره مزایای همکاری و اجرای اقدامات صلح آمیزش در منطقه، هدایت کند. این برنامه می تواند از طریق ایجاد مراکز اطلاعاتی و آموزشی مثل جاده ابریشم مجازی یا صندوق ذخیره که در سپتامبر ۲۰۰۰ به عنوان مکانیزمی در جهت کمک به اعضای ناتو در انهدام ایمن مین های ضد نفر تحت کنوانسیون آتاوا پیش بینی شده بود، انجام پذیرد. اقداماتی مثل شفاف سازی دو جانبه اهداف سیاستها می تواند موجب تقلیل بی اعتمادیها و فهم بهتر و همکاریهای بیشتر بین ناتو و اعضایش شود.

پی نوشت ها

۱. کشورهای فعلی آسیای مرکزی تا سال ۱۸۶۷ به صورت خانهای مستقل (شامل خیوه، قوقند و بخارا) در محدوده ترکستان تاریخی بودند. سپس این قلمروها توسط امپراتوری روسیه با یکدیگر ادغام شدند. در نتیجه جنگهایی که به وقوع پیوست جمهوری جدیدی در چارچوب اتحاد شوروی شکل گرفت. مرزهای آنها اساس قلمروهای دول فعلی آسیای مرکزی را تشکیل دادند.

2. New Role of the NATO in the Space of CIS, OSW, Warsaw, April 2005.

3. [http://www.nato.int/docu/review/2006/issue3/English/analysis 2.html](http://www.nato.int/docu/review/2006/issue3/English/analysis%20.html).

۴. ایساف به دستور شورای امنیت سازمان ملل متحد ایجاد شد؛ قطعنامه شماره ۱۳۸۶ صادره در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱.

5. [http://www.nato.int/docu/update/2006/04-april/e427 e.htm](http://www.nato.int/docu/update/2006/04-april/e427%20e.htm).

۶. «قدمهای بسیاری برای تقویت بیشتر مشارکت اورو - آتلانتیک برداشته شده است، بویژه با تمرکز بسیار بر الزام هم پیمانان خود در مناطق مهم استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز...»
مراجعه شود به:
<http://www.nato.int/issues/sr-caucasus/index.html>.

7. <http://www.nato.int/issues/sr-caucasus/index.html>.

۸. در نشست استانبول «ابتکار همکاری استانبول» بنیان نهاده شد که می بایستی با کشورهای عضو ناتو و کشورهای خاور نزدیک به منظور تلاش در جهت ارتقای امنیت بین المللی در تماس باشد. مراجعه شود به:

<http://www.nato.int/docu/comm/2004/06-Istanbul/docu/cooperation.htm>

۹. «من راجع به بازدید وزیر خارجه وقت امریکا، از آسیای مرکزی گزارشی ارائه داده و زمینه ای را ذکر کرده ام که این بخش از جهان را بی همانند می نمایاند.» الیزابت جونز، دستیار وزیر امور خارجه امریکا در بخش اوراسیا. «موفقیت ما در آسیای مرکزی و جنوبی اهمیت بسیار برای منافع ملی ما دارد.»

۱۰. سیاست امریدا به واسطه اهداف پراگماتیستی و ژئواستراتژیک مشخص می شود و به منظور تحکیم نفوذ امریکا در فضای شوروی سابق به کار می رود تا پایگاههای لجستیک برای عملیات در افغانستان و عراق را تامین نماید.

۱۱. جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، سازمان همکاری شانگهای، سازمان قرارداد امنیت دسته جمعی.

12. www.kas.de/d6-files/dokumente/analysen-und-argumente/7-dokument-dok-pdf-8471-1.pdf.

۱۳. تاجیکستان در سال ۲۰۰۲ به «مشارکت برای صلح» پیوست.

۱۴. قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان چنین برنامه هایی را از سال ۱۹۹۴ دارا هستند. تاجیکستان از سال ۲۰۰۴ و ترکمنستان از سال ۱۹۹۸.

۱۵. قزاقستان و ازبکستان از سال ۲۰۰۲ مشارکت دارند.

16. R.Estrella, Central Asian Security. The Role of NATO, 175 PCNP 06E, in: <http://www.nato-pa.int/default.asp?SHORTCUT=990>

۱۷. آن امر ابتدا بر مباحثی چون جنایات سازمان یافته، حفاظت از مرزها، قاچاق مواد مخدر و... تمرکز دارند.

18. www.kas.de/d6-files/dokumente/analysen-und-argumente/7-dokument-dok-pdf-8471-1.pdf.

۱۹. اعضای فعلی عبارتند از: ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان، بلاروس و ازبکستان.

۲۰. تمام اعضا عبارتند از: روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان. اعضای ناظر شامل پاکستان، هند، ایران و مغولستان می شوند.

۲۱. در سال ۲۰۰۲ یادداشتی با آژانس حفظ و تدارک ناتو امضا شد، ازبکستان نیز به PARP پیوست و در سال ۲۰۰۴ اسناد سخنرانی را به IPAP ارائه داد.

۲۲. در دوم می ۲۰۰۷ آژانس اینترفاکس در مراجعه به یک عضو اداره اطلاعات قرقیزستان گزارش داد که امریکا سلاحهای هسته ای برای حملات ناگهانی علیه تسهیلات هسته ای ایرانیان در پایگاه ماناس نگهداری می کند.

۲۳. دو طرف اطمینان دارند که همکاری خود را در زمینه های امنیت بین المللی تداوم بخشند و مبارزه بر ضد تروریسم و حمل و نقل مواد مخدر را تشدید کنند. با تاکید بر بیطرفی ترکمنستان، رابرت سیمونز نقش ترکمنها در ثبات افغانستان و تمامی منطقه را ستایش کرد.

۲۴. «خط لوله سراسری در دریای خزر ایجاد می گردد». نگاه کنید به:

<http://www.rzeczpospolita.pl/news.Rol?newsId=6088> how.

۲۵. TACIS، تراسیکا، اینوگیت، مرکز مطالعاتی آب، TEMPUS.